بایستگی به کارگیری مفهوم عقلانیت در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی

هاشم داداشپور [۱*]، مجتبی رفیعیان [۲]، محمدرضا حق‌جو [۳]

۱. دانشیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. دانشیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۳. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛ و عضو هیات علمی گروه شهرسازی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

دریافت: ۹۶/۰۶/ ۰۴ پذیرش: ۹۶/۱۱/۰۶

چکیده[۲]

عقلانیت را می‌توان یکی از چارچوب‌های شناخت شناسانه مؤثر بر نظریه برنامه‌ریزی دانست، اما این انگاشت از سوی فرا- نوگرایان انتقاد و انکار شده است. عقلانیت براساس این انتقادها بار ارزشی منفی یافته است، به صورتی که برنامه‌ریزی عقلانی با فن سالاری سازش‌ناپذیر و نوعی خودبرتربینی حرفه‌ای با سطحی‌نگاری ابزاری مترادف شده است. این مقاله در رویارویی با بایستگی ناشی از اهمیت چالش میان‌کنش دیالکتیکی دانش و کنش در برنامه‌ریزی و همچنین پاسخ به تردیدها و نظرات کلیشه‌ای رواج یافته در برنامه‌ریزی عقلانی و تردیدهایی که به انکار آن منجر شده است، درپی ابهام‌زدایی از مفهوم عقلانیت، ردیابی سیر تکامل آن و شناسایی اثرات گونه‌های مختلف آن بر آن دسته رویکردهای برنامه‌ریزی شهری است که از انگاشت عقلانیت و نظریه تصمیم‌گیری عقلانی استفاده کرده‌اند. پژوهش پایه این مقاله از نوع پژوهش «توصیفی- بیانگر» بوده و روش تحلیل به کار رفته، روش تحلیل زمان‌سنجی (کرونولوژیک) داده‌های ثانویه مرتبط با موضوع پژوهش و از طریق روش‌های تحلیل کیفی محتوا و بازبینی سیستماتیک این داده‌هاست. برونداد این مقاله مدلی مفهومی برای گونه‌شناسی عقلانیت و سیر تکامل زمانی آن، ردیابی اثرات آن بر رویکردهای برنامه‌ریزی شهری و همچنین شرح بایستگی به کارگیری این مفهومی در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی بوده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی شهری، عقلانیت، عقلانیت ابزاری، عقلانیت ارتباطی.

---

* نویسنده مسئول: H-dadashpoor@modares.ac.ir

[۲] این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمدرضا حق‌جو به راهنمایی دکتر هاشم داداشپور و مشاوره دکتر مجتبی رفیعیان در گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس است.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۱- مقدمه

در برنامه‌ریزی به مفهومی کلی و نیز در برنامه‌ریزی شهری، شناخت (یا دانش) و کنش در یک میان‌کنش دیالکتیکی با هم به سر می‌برند. بایستگی رابطه بین نظر و یا نظریه و کنش یا کاربست در برنامه‌ریزی شهری از این‌رو است که نظر راهنمای کنش بوده و میان‌کنش میان نظر و کنش ثابت شده است. برنامه‌ریزان و کارفرمایان آن‌ها نیاز به چهارچوب‌هایی شناخت‌شناسانه، نظری و مفهومی دارند تا بتوانند میزان موفقیت یا شکست کنش و کاربست برنامه‌ریزانه خود را بسنجند. نظریه راهی برای درک جهان، چهارچوبی برای سازماندهی حقیقت‌ها و تجربه‌ها و تفسیر آن‌ها به صورتی سیستماتیک تعریف شده، اساس توسعه مهارت‌ها و ابزار مورد نیاز برای به کارگیری نیز هست و به همان اندازه برای یک دانشمند بایستگی دارد که برای یک متخصص حرفه‌ای. پس نمی‌توان و نباید در مورد دانش اجتماعی بحث نمود، مگر ابتدا رابطه و پیوند شناخت و کنش و تأثیر شناخت در کنش برنامه‌ریزی شهری را جستجو نمود و این همان چیزی است که شناخت‌شناسی (یا نظریه دانش) برنامه‌ریزی با آن سروکار دارد (دانشپور، ۱۳۹۴:۳۸). در چنین پیوستاری بایستگی پرداختن به مفهوم عقلانیت و نظریه تصمیم‌گیری عقلانی و جایگاه آن را می‌توان با بایستگی بازبینی چارچوب‌های شناخت شناسانه مؤثر بر نظریه برنامه‌ریزی برابر دانست. از سوی دیگر رواج انتقادهای مبتنی‌بر تفکر فرا نوگرا تردیدهایی را در مورد مشروعیت برنامه‌ریزی شهری مبتنی‌بر تفکر عقلانیت ایجاد کرده است. فرانوگرایی بر این باور است که برنامه‌ریزی نیز به دوره پسا- عقلانیت[۱] رسیده است. براساس این انتقادها مفهوم عقلانیت بار ارزشی منفی یافته است، به صورتی که برنامه‌ریزی عقلانی با فن‌سالاری سازش‌ناپذیر و نوعی خودبرتربینی حرفه‌ای با تمرکز بر ابزاری سطحی و بر ابزارباوری[۲] مترادف شده است. از نظر این منتقدان عقلانیت سایر دانش‌های انتزاعی و غیرعلمی را (شامل دانش‌های شخصی، ارزش‌های اجتماعی یا انسانی، شهود فردی و حس عمومی، ادارک ساختاری فرهنگی و اجتماعی و تصورات) مردود اعلام کرده و تنها دانش رها از ارزش[۳] را توجیه می‌کند. در مقابل پیروان عقلانیت در برنامه‌ریزی، چنین انتقادهایی را ناشی از ابهام در تعریف عقلانیت، ماهیت همواره تغییریابنده و تعریف نشده آن و درپی آن سطحی‌نگری و اشتباه منتقدان در خفیف‌کردن عقلانیت تا حد عقلانیت ابزاری می‌دانند، در

---

۱. post-rationality؛ انگا شت «پ ساعقلانیت» درپی انتقادات فرانوگرایان به انگا شت عقلانیت ابزاری و به معنای عبور از دوران تسلط عقلانیت مطرح شده است.

۲. Instrumentalism؛ ابزارباوری یکی از مکاتب نوگراســـت که تأکید دارد نظریه‌ها ابزاری برای تعریف ارتباطات مق صد-و سیله‌های قابل اعتماد که با تجربه یافت می شوند ه ستند، اما نمی‌توانند واقعیات را از تجربه‌ها ا ستخراج کنند.

۳. value free

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

حالی‌که به راستی دامنه‌ای از مفهوم‌های عقلانیت وجود دارد که از چندین بُعد با هم تفاوت دارند. از این‌رو بایستگی پرداختن به مفهوم عقلانیت، بایستگی ابهام‌زدایی از تعاریف مختلف آن و چگونگی اثرگذاری این مفهوم بر شناخت (یا دانش) و کنش برنامه‌ریزی خواهد بود. درپی این ضرورت‌ها، این مقاله سه هدف اصلی را (که هدف نخست و دوم اکتشافی- توصیفی و هدف سوم توصیفی- تحلیلی هستند) پی‌گیری می‌کند: نخست ابهام‌زدایی از مفهوم عقلانیت با ارائه تعریف روشن از آن؛ دوم، ردیابی اثرهای گونه‌های مفهوم عقلانیت بر رویکردهای برنامه‌ریزی شهری و سوم، تشریح بایستگی به کارگیری عقلانیت در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهری دارد.

۲- نوع و روش پژوهش در مقاله

پژوهش پایه این مقاله از نوع ترکیبی توصیفی- بیانگر بوده که در جستجوی چرایی پدیده‌ها و رویدادها و تأمین پشتوانه شناخت شناسانه و نظری برای کنش است. روش تحلیل به کار رفته در مقاله، روش تحلیل زمان‌سنجی (کرونولوژیک) داده‌های متنی است که به بررسی سیر تکامل و توسعه عقلانیت در محور زمان می‌پردازد. این روش در چهارچوب رویکرد کیفی در پژوهش‌های اجتماعی که خود در دسته روش‌های پرس‌وجو[۱] قراردارند، جای می‌گیرد و امکان گردآوری اطلاعات مناسب برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های چرا، چگونه، با چه، کجا، و کی در مورد پدیده مورد پژوهش در مقاله هم‌زمان با امکان بازگشت به پس و حرکت به پیش هنگام لازم را به‌دست می‌دهد (دنزین[۲] و لینکلن[۳]، ۲۰۰۵)، همچنین در این مقاله از روش تحلیل موضوعی که از روش‌های رایج پژوهش کیفی است، درپی ردیابی موضوع‌ها یا الگوهای تکرار شونده در هر مجموعه اطلاعات که در تو صیف پدیده مورد پژوهش و در را ستای پر سش پژوهش مشخصی اهمیت دارند، نیز استفاده شده است. با تشخیص رویدادهای مهم و کلیدی در پیوستار زمان‌سنجی (کرونولوژیک) مورد بررسی در این مقاله بر رابطه دیالکتیکی و میان‌کنش شناخت (یا دانش) و کنش کار نشده است، به آن دلیل که این امر بیرون از قلمروی دستورکار این مقاله قراردارد و نیاز به ادامه این پژوهش است تا با استفاده از روش پژوهش دیالکتیکی ادامه یابد. روش‌هایی که در این مقاله برای گردآوری، پردازش و تحلیل اطلاعات در چارچوب فرایند پیشنهادی این مقاله به کار رفته‌اند را می‌توان چنین معرفی‌کرد: **نخست،گردآوری و پردازش اطلاعات**: اطلاعات استفاده شده در این مقاله از نوع اطلاعات متنی و مربوط به

---

۱. Inquiry methods؛ پرس و جو یک فرایند باز برای کشف و درک جهان است.

۲ Denzin

۳ Lincoln

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

چارچوب‌های مفهومی و نظری مرتبط با موضـــوع و دســـتورکار این مقاله بوده‌اند که از طریق رجوع و بازبینی کتاب‌ها و نشـــریه‌های معتبر براســـاس پژوهش‌های داخلی و جهانی گردآوری شده‌اند. **دوم، تحلیل اطلاعات:** تحلیل اطلاعات در این مقاله با اختیار چارچوبی با مسیر توصیف و تبیینی انجام شده است. **مسیر توصیفی** برای ردیابی دو هدف نخست مقاله (بند ۱) در دو سـطح کلی پیموده شـده اسـت. در این مسـیر نظریه‌ها، مفهوم‌ها و تجربه‌های جهانی مرتبط با مفهوم عقلانیت در برنامه‌ریزی فضـایی راهبردی شـهری بررسـی شـده و معیارهای تشـخیص عقلانیت در برابر عدم عقلانیت بر پایه تجارب و نظریه‌های موجود جهانی پیشنهاد شده‌اند. این امر با یک بررسی اولیه از چگونگی تأثیر عقلانیت در فرایندهای برنامه‌ریزی فضایی شهری و نیز ترکیب و سـنتز نتایج مطالعات از پیش موجود (شـامل تعدادی از اسـناد و متون موجود) انجام شده است. **مسیر تبیینی** برای پاسخ به هدف سوم یعنی بایستگی به کارگیری عقلانیت در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهری می‌پردازد. در این مسیر کوشش می‌شود با تبیین معیارهای تشـخیص عقلانیت در برابر عدم عقلانیت چارچوبی ارائه شـود که درپی تسـهیل و ارتقا کنش و میان‌کنش برنامه‌ریزی است. در این دو مسیر مرور نظام‌مند برای توصیف و تبیین چارچوب‌های نظری مربوط به تفکر عقلانی اسـتفاده شـده تا بتوان هم به تبیین لازم پرداخت و هم بازدارنده‌های موجود احتمالی در به کارگیری چنین مفهومی را ردیابی‌کرد.

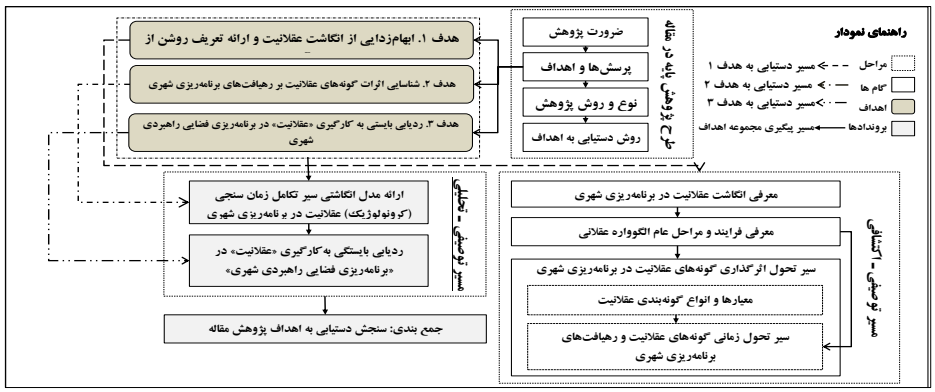

شکل ۱ روش دستیابی به اهداف پژوهش

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۳- توصیف و تبیین مفهوم عقلانیت در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهری

با مترادف دانستن مفهوم عقلانی با عبارات مدلل بودن یا مبتنی‌بر عقل و منطق بودن می‌توان عقلانیت را مرتبط با گسترش علت دانست، به این معنا که عقلانیت به لحاظ نظری توانایی ذهنی در انطباق تفکر یا کنش با اصول و اهداف بشر در فرایند تفکر عقلانی تعریف شده‌است[۱]. مجموع این تعاریف نشان از وجود رابطه میان عقلانیت با هدف‌مند بودن دارد. به بیان دیگر تفکر یا کنش عقلانی ارتباطی مستقیم و منطقی با مجموعه‌ای از اهداف تعریف شده دارد و نبود یا ضعف چنین رابطه‌ای به این معنا ست که تفکر یا کنش در حقیقت بدون هدف، بدون علت و بنابراین غیرعقلانی است (اجلالی، ۱۳۸۸:۲؛ الکساندر[۲]، ۲۴۳-۲۴۴: ۲۰۰۰).

در چهارچوب تعاریف پیش‌گفته برنامه‌ریزی عقلانی به معنای آن رویکرد برنامه‌ریزی است که دلایل پشتیبان مجموعه‌ای از کنش‌های انسان را فراهم می‌کند. به بیانی دیگر این‌که برنامه‌ریزی نیاز ندارد که عقلانی باشد، چنان است که در برنامه‌ریزی می‌توان برنامه‌ها (دربردارنده راهبردها؛ تاکتیک‌ها یا سیاست‌ها و پیشنهادها) را بدون تشریح عناصر دربرگیرنده آن‌ها را تولید کرد و چرایی اولویت انجام این کنش‌ها تجویز کرد. چنان‌که پیروان برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت آن را تعریف می‌کنند، عقلانیت شامل شفافیت اهداف سیاستی، تحلیل سیستمی، تولید عقلانی گزینه‌های سیاستی، ارزیابی سیستماتیک این گزینه‌ها و نظارت بر اجرا می‌شود؛ بنابراین برنامه‌ریزی عقلانی دارای این نکته مثبت است که برای کنش‌های پیشنهادی خود پاسخ‌گو است و برخلاف ادعاهای منتقدان آن نه فقط جنبه انتقادی و بایستگی انتقاد و بحث در برنامه‌ریزی را رد نمی‌کند، بلکه این جنبه ذات برنامه‌ریزی عقلانی است (الکساندر، ۲۰۰۰:۲۴۳؛ آلمندینگر[۳]، ۲۰۰۲:۵۳؛ مک‌دوگال[۴] و توماس[۵]، ۱۹۸۲).

پیشینه مطرح شدن و بسط مفهوم عقلانیت در نظریه‌های تصمیم‌گیری را می‌توان در علم اقتصاد جستجو کرد. مدل تصمیم‌گیری عقلانی در این علم بر بنیان‌های منفعت محوری[۶]

---

۱ واژه عقلانی در فارسی از ریشه واژه عقل و در انگلیسی از ریشه لاتین (ration) به معنای علت (reaon) گرفته شده است و عقلانیت باور کسی است که بر علت‌های منطقی تأکید می‌کند و می‌تواند علت‌های دیدگاهی خاص را (متفاوت با تبیین استدلال‌های شهودی یا حسی) تبیین کند. ن.ک به: Allmendinger, ۲۰۰۲: ۵۳

۲ Alexander

۳ Allmendinger

۴ McDougall

۵ Thomas

۶ Utilitarian foundation

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

اقتصاد مدرن و با تمرکز بر این موضوع استوار است که مردم تمایل دارند عقلانی عمل کنند. براساس چنین ادعایی رویکردهای هنجارین و اثباتی می‌توانند با هم یکپارچه شوند و مدلی را تولید کنند که قادر به پیش‌بینی رفتارها باشد، چرا که بازیگران تمایل دارند هنجارها را دنبال کرده و رقابت آن‌ها را وادار به انجام کنشی خواهد کرد که عقلانی تعریف و سبب می‌شود از بازار رقابت حذف نشوند (دیکمن[1]، ۱۹۶۱:۳۳۶). نظریه انتخاب عقلانی بر پایه مدل تصمیم‌گیری عقلانی و دربردارنده تصمیم‌هایی است که از ویژگی‌هایی مبتنی‌بر آن مدل برخوردار باشد. گام‌های پیاپی چنین مدلی را به صورت زیر می‌توان بیان نمود (دانشپور، ۱۵۶-۱۵۸: ۱۳۹۴): **گام نخست**، در نظر گرفتن تمام مسیرکارهای گزینه که در مورد وضعیت مورد بررسی گشوده‌اند و تصمیم‌ها را برای دستیابی به نقطه پایانی مورد نظر هدایت می‌کنند؛ **گام دوم**، تعیین و ارزش‌گذاری تمام نتایج و پیامدهایی که ممکن است از انتخاب هر مسیرکار گزینه به دست آید؛ **گام سوم**، انتخاب گزینه‌ای که برآمدها و پیامدهای احتمالی آن در مقایسه با ارزش‌ترین نقطه پایانی مورد نظر ترجیح داده شود؛ بر مبنای تعریف فرایند و مدل پیش‌گفته هیچ تصمیمی نمی‌تواند به طور کامل عقلانی باشد، زیرا عقلانی بودن محدود است و نمی‌توان تمام گزینه‌ها، برآمدها و پیامدها را تعیین کرد.

۴- معرفی جایگاه مفهوم عقلانیت در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهری

اختیار نظریه‌های پایه و مکمل عقلانیت در برنامه‌ریزی شهری را به شرح زیر می‌توان تشریح کرد.

نخست: اختیار تفکر عقلانی: عقلانی بودن/ عقلانیت و تصمیم‌گیری عقلانی

این تفکر در واکنش به دو تغییر اساسی در تعریف فعالیت برنامه‌ریزی شهری بود که در پاسخ به نقاط ضعف شیوه‌ها و رویکردهای سنتی برنامه‌ریزی مبتنی‌بر پایه‌های شناخت‌شناسانه اثبات گرا بودند مطرح شد. از یک سو برنامه‌ریزی همچون یک پدیده رها از ارزش به دلیل کوتاهی در شناخت قیود اساسی وارد بر فرایندهای تصمیم‌گیری بخش‌های عمومی و خصوصی مورد انتقاد و انکار قرار گرفت. انتقاد از تفکر، کنش و شیوه‌ها و رویکردهای سنتی برنامه‌ریزی شهری، فرضیات پایه آن را زیر پرسش برد و موجب تغییراتی در ویژگی‌ها و کارکرد آن شد: معیارهای صرفاً کالبدی به زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی، سازمانی و جز آن تغییر کرد؛ دیدگاه

[1] Dyckman

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مدیریت شهری و توجه به کارکرد سازمان‌ها و عوامل تصمیم‌گیری مهم در نظر گرفته شد؛ به مشکلات شهری و گشودن آن‌ها توجه نشان داده شد؛ تخصیص و بازپخش منابع بر پایه مساوات و برابرخواهی در دستور کار قرار گرفت؛ و وظیفه تسکین مشکلات و کاهش نابرابری‌های موجود در ساختار فضایی شهرها توسط برنامه‌ریزان شهری پذیرفته شد. از دیگر سو برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک فعالیتی که بیش از هر چیز کالبدی بود تغییر مسیر داد و بر فرایندهای تصمیم‌گیری اجتماعی متمرکز شد.

دوم، اختیار تفکرسیستمی

این تفکر نمونه بارز برنامه‌ریزی روندی و یک شکل پالایش یافته رویکرد جامع- عقلانی است و کوشش دارد تا بر ماهیت خطی رویکرد جامع- عقلانی (بر پایه تولید اهداف برنامه‌ریزی قرار دارد) چیره شود و به این تربیت تفاوت اندکی با آن رویکرد دارد، به جز آن‌که به رویه‌ای سیستماتیک عنصر بازخورد را وارد کرده است. این رویکرد ماهیت برنامه‌ریزی شهری را همچون یک فرایند چرخه‌ای پیوسته در درون یک محیط جامع یا اکوسیستم به خوبی تشریح می‌کند و بر این باور است که برنامه‌ریزی ابزاری برای مهار تغییرات سیستمی پیچیده‌ای است که نه فقط به الگوهای رفتاری افراد و گروه‌ها شکل می‌دهد، بلکه از آن‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد و در نتیجه شکلی مشابه سیستم‌هایی دارد که برنامه‌ریزی درپی مهار شان است (داداش‌پور، ۲۲۱-۲۲۵: ۱۳۹۴). از ویژگی‌های مشترک این رویکرد با تفکر عقلانی را می‌توان تأکید بر جنبه علمی و فنی برنامه‌ریزی دانست به گونه‌ای که جبران‌کننده اقدامات نه چندان حساب شده سیاستمداران باشند، همچنین هر دو رویکرد تأکید بر تولید و ارزیابی گزینه‌های مختلف پیش از عمل دارند (اجلالی، ۱۳۸۸:۲).

سوم، اختیار تفکر راهبردی: به کارگیری تفکر راهبردی بر وجود خصلت روندی‌بودن برنامه‌ریزی تأکید دارد؛ یعنی با پذیرش خطرهای مربوط به کنش در جهانی که عدم‌قطعیت‌های گوناگونی در آن وجود دارد، به جای بی‌کنشی یا ترسیم وضعیتی نهایی برای آینده دور، سیستم موردبرنامه‌ریزی می‌کوشد با تکیه بر فرایندهای پیوسته گردآوری، پردازش و تحلیل اطلاعات، چارچوبی سیستماتیک را برای جرح و تعدیل ساز و کار و سیستم برنامه‌ریزی شهری فراهم‌کند (دانشپور، ۱۴۴-۱۴۵: ۱۳۹۴). پذیرش روندی‌بودن برنامه‌ریزی در تفکر راهبردی یعنی هرگاه دستیابی به اطلاعات جدید نشان دهد شرایط کنونی و روندهای دگرگونی آن تغییرکند، تهیه کنندگان برنامه در پاسخ به این تغییر و متناسب با آن، برنامه گزینه دیگری را برای اجرا

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

برمی‌گزینند (هلمس[۱]، ۲۰۰۶:۱۲۵؛ مییر[۲] و بلبابا[۳]، ۴۵۴-۴۵۵: ۱۹۸۲؛ ابراهیم‌نیا و دانشپور، ۱۳۹۶: ۸). تلاش مداوم در تفکر راهبردی به دلیل اهمیت شناسایی عدم قطعیت‌ها (فرند[۴] و هیکلینگ[۵]، ۸-۱۱: ۲۰۰۵) برای یافتن ابزارهای مقابله با آن‌ها در این تفکر است (هیلی[۶]، ۲۰۰۷). تمرکز این رویکرد بر نکات کلیدی است، به همین علت بین تصمیم‌ها و کنش‌ها به اولویت‌بندی می‌پردازد (آلبر شترز[۷]، ۲۰۰۴). برا ساس این تفکر برنامه‌ریزی بر تعداد محدودی از نکات تمرکز می‌شود که توانایی تغییر و هدایت آن‌ها را دارد (هیلی، ۲۰۰۷).

چهارم، اختیار تفکر مشکل‌گشایی / اختیار نظریه مشکل‌گشایی: توجه به مشکلات برنامه‌ریزی

نارسایی‌هایی که در تجربه برنامه‌ریزی عقلانی- جامع- سیستمی به ویژه در چارچوب اقتصاد بازار آشکار شده منجر به کنار نهادن آن از سوی بسیاری از نهادهای برنامه‌ریزی بخش عمومی در جهان شده است. در مقابل برنامه‌ریزان که (شاید از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی) دیگر هیچ نقش تجویز شده و روشنی برای آنان تعریف نشده است، عادت کرده‌اند تا با ابهام، عدم قطعیت و دگرگونی در سیستم‌های سیاسی و سازمانی کشورهای خود سر و کار یابند: یعنی پرداختن به مشکل‌یابی و مشکل‌گشایی که از ویژگی‌های بارز تفکر راهبردی در برنامه‌ریزی نیز است. مهم این‌که با پیچیده‌تر شدن جوامع هر رویکردی که به کار رود، حتی اگر کاستی‌های برنامه‌ریزی کاهش نیابد و محیط برنامه‌ریزی آماده نگردد، نیاز به برنامه‌ریزی، تشخیص مشکلات و تولید راه‌های گشودن مشکلات کم نشده و برنامه‌ریزی همچنان ابزاری در خدمت جوامع مدافع نگهداشت منفعت عمومی باقی می‌ماند (دانشپور، ۱۳۸۷:۱۲).

پنجم، اختیار تفکر ارتباطی و برنامه‌ریزی همکارانه

---

[۱] Helms
[۲] Meyer
[۳] Belobaba
[۴] Friend
[۵] Hickling
[۶] Healey
[۷] Albrechts

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی، برنامه‌ریزی شهری را فرایندی دارای میان‌کنش می‌داند که با گفتگوهای شایسته و سازنده در درون و بین جوامع و گروه‌های درگیر در مناظره امکان‌پذیر می شود. این میان‌کنش که شامل شناخت، ارزش گذاشتن، گوش کردن و جستجوی امکانات ترجمه افکار گروه‌های درگیر مختلف در فرایند برنامه‌ریزی می شود، شکلی از تبادل یا چانه‌زنی در مورد منافع از پیش تعیین شده نیست، بلکه یک فرایند یادگیری دوسویه توسط کوشش در درک متقابل است، یعنی ممکن است اولویت‌های ثابت افراد و گروه‌ها، زمانی تغییر کند که آن‌ها از منافع شخصی یکدیگر و منافع جمعی خود آگاه می‌شوند. بازتاب این اندیشه‌ها در رویکرد همکارانه، برنامه‌ریزی فضایی را فرایندی اجتماعی از میان‌کنش بین گروه‌های درگیر می‌داند، یعنی کنش برنامه‌ریزی تنها با محتوا یا موضوع‌ها سروکار ندارد، بلکه با این که موضوع‌ها چگونه مورد بحث قرار گیرند و مشکل‌ها چگونه تعیین شوند و راهبردهایی برای رویارویی با آن‌ها تدوین شوند هم سروکار دارد (دانشپور و ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۴:۹۸).

۵- ردیابی سیر تحول مفاهیم و گونه‌های اصلی عقلانیت در برنامه‌ریزی شهری

بارزترین گونه‌شناسی عقلانیت در انطباق با رویکردهای برنامه‌ریزی متعلق به الکساندر و فورستر هستند که به شرح زیر معرفی می‌شوند:

الف- گونه‌های عقلانیت در مدل مفهومی الکساندر

گونه‌های عقلانیت در مدل مفهومی الکساندر برا ساس سه دسته معیار به این صورت تعریف می شوند (الکساندر، ۲۰۰۰:۲۴۴؛ اجلالی و دیگران، ۱۳۹۱) (شکل ۲): نخست، **مرتبط بودن با باورها در برابر مرتبط بودن با بیانیه‌ها و یا مرتبط بودن با کنش‌ها،** چندین موضوع با عقلانیت مرتبط هستند: باورها، بیانیه‌ها و کنش‌ها. این‌ها به هم وابسته هستند. بیانیه‌ها و کنش‌ها مبتنی بر باورها هستند و باورها می‌توانند به شکل بیانیه‌ها بیان شوند. بیانیه و کنش در سطوح بالای تجرید می‌توانند مشابه هم در نظر گرفته شوند. یک بیانیه می‌تواند شکلی از یک کنش باشد. دوم، **مرتبط بودن با کنش در برابر مرتبط بودن با میان‌کنش،** بیشتر انواع عقلانیت مرتبط با برنامه‌ریزی (چون عقلانیت رسمی و عقلانیت محتوایی)[1] میل به تمرکز بر کنش دارند، اما مجموعه دیگری از عقلانیت در دامنه نظریه‌های مناظره‌ای بیشتر مرتبط با بیانیه‌ها و متمرکز بر

---

۱. formal rationality vs substantive rationality

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

میان‌کنش‌ها هستند. **سوم، محدود و واقع‌گرایی در برابر نامحدود و آرمان‌گرایی**، از نظر الکساندر مفهوم عقلانیت را می‌توان براساس گونه‌های عقلانیت نامحدود[1] یا عقلانیت همچون دلیل محض[2] که آرمان باور بوده و عقلانیت محدود[3] که در پاسخ به انتقاداتی که به محدودیت‌های عقلانیت و مفهوم عقلانیت نامحدود مطرح شد برشمرد (الکساندر، ۲۴۵:۲۰۰۰).

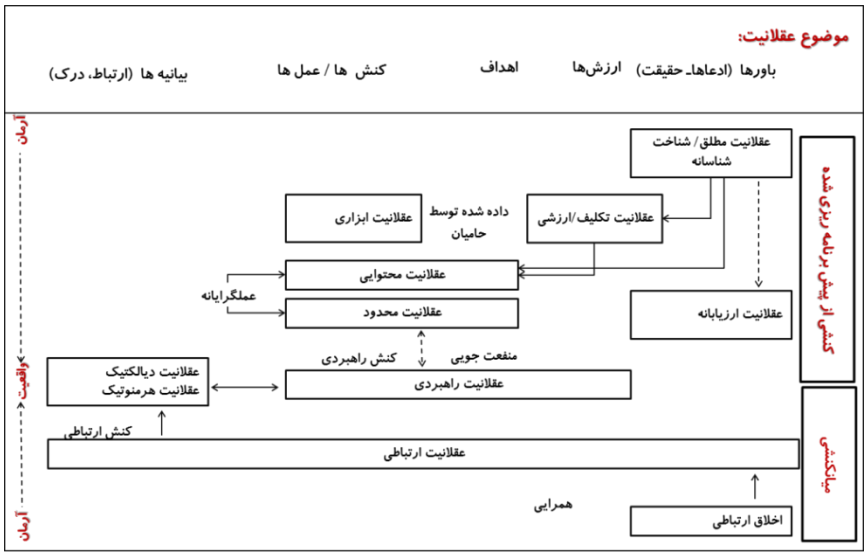

شکل ۲ انواع عقلانیت در مدل مفهومی الکساندر

منبع (الکساندر، ۲۴۴:۲۰۰۰)

در انطباق گونه‌های عقلانیت با رویکردهای برنامه‌ریزی، الکساندر، چهار الگوواره برنامه‌ریزی عقلانی، کاربست ارتباطی، برنامه‌ریزی هماهنگ‌کننده[4] و تدوین چارچوب[5] را بررسی می‌کند (الکساندر، ۲۴۴:۲۰۰۰؛ اجلالی و دیگران، ۱۳۹۱) (جدول ۱).

۱. Unbounded Rationality
۲. Rationality as Pure Reason
۳. Bounded Rationality
۴. Coordinative Planning
۵. Frame Setting

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

جدول ۱ الگوواره‌های برنامه‌ریزی در انطباق با گونه‌های عقلانیت در مدل مفهومی الکساندر

پارادایم برنامه‌ریزی	عامل	ماده	تمرکز	هدف	محصول	نوع عقلانیت	منطق/نظریه هنجارین	مدل‌های تحلیل ایده‌آل	نظریه تشریحی
برنامه‌ریزی عقلانی کلاسیک	افراد/شبه افراد	مشکل/ وضعیت تصمیم، کنش‌های گزینه/ پیامدها	مشکل‌گشایی	کنش مطلوب/ کاراترین کنش/ دستیابی به هدف	تصمیم/ تعهد به کنش	ابزاری (اهداف ارائه شده) محتوایی (اهداف)	تصمیم رسمی تحلیل ارزش	تصمیم‌ساز عقلانیت مبتنی‌بر منفعت جویی سودمند	-
						عقلانیت محدود عقلانیت راهبردی	رضامندی کنش‌باوری اندک افزایی	رضامندی کنش‌باوری اندک افزایی	روانشناسی تصمیم نظریه سیاسی/ سازمانی
کاربست ارتباطی	افراد در گروه‌ها/ قلمروهای میان‌کنشی	میان‌کنش، ارتباط، بیانیه، فصاحت/قدرت برنامه‌ها/ سیاست‌ها	میان‌کنش اجتماعی، تصمیم/توافق جمعی	دستیابی به اهداف گروه‌ها (کنش راهبردی) هم‌رأیی، درک دوسویه (کنش ارتباطی)	تصمیم جمعی، تعهد مشترک بر سر کنش مورد توافق	عقلانیت راهبردی	نظریه بازی‌ها	نظریه انتخاب اجتماعی	تحلیل قدرت فوکویی
						عقلانیت ارتباطی محدود عقلانیت ارتباطی	نظریه مباحثه	اصل جهان‌شمولی؛ وضعیت آزادی بیان ایده‌آل	اصل جهان‌شمولی؛ وضعیت آزادی بیان ایده‌آل
برنامه‌ریزی هماهنگ کننده	واحدهای سازمانی، سازمان‌ها، شبکه‌های بین سازمانی	راهبردها، سیاست‌ها پروگرام‌ها، پروژه‌ها	اجرا/ کنش جمعی	کنش کارا برای دستیابی به اهداف دوسویه	دستیابی به توافق بر سر تصمیم‌ها	عقلانیت راهبردی عقلانیت راتباطی محدود	نظریه بازی‌ها	نظریه سازمانی، اقتصاد نهادی	جامعه‌شناسی سازمانی، رفتار سازمانی
برنامه‌ریزی همچون چارچوب گذاری	اجتماعات، نقش‌های فردی، شرکت‌ها، منافع سازمانی، شبکه سیاستی، سیاست/ موضوعات اجتماع زیستی قلمرویی	ارزش‌ها، دستورالعمل‌ها/ احکام/ تصورات از واقعیت، اندیشه‌ها	فرایند چارچوب گذاری، گفتمان در اجتماعات مرتبط	دستیابی به اهداف گروه‌ها تدوین اهداف دوسویه توافق بر سر چارچوب برای تصمیم‌های آینده	چارچوب، فراسیاست، دکترین برنامه‌ریزی، سیاست، برنامه راهبردی	عقلانیت محتوایی محدود عقلانیت راهبردی عقلانیت ارزشی عقلانیت ارتباطی محدود	ایدئولوژی، فلسفه سیاسی/ اخلاق	نظریه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی	نظریه سیاسی، جامعه شناسی

منبع (الکساندر، ۲۰۰۰:۲۴۹)

ب- گونه‌های عقلانیت در مدل مفهومی فورستر

مدل مفهومی فورستر درپی گونه‌شناسی عقلانیت برحسب کاربست‌های آن در برنامه‌ریزی است. در این مدل پنج گونه عقلانیت شناسایی شده‌اند که یک گونه عقلانیت نامحدود و چهارگونه آن عقلانیت محدود هستند (فورستر[1]، ۱۹۸۴:۲۶) (جدول ۲).

[1] Forester

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

جدول ۲ عقلانیت و کاربست آن در برنامه‌ریزی در مدل مفهومی فورستر

نوع محدودیت عقلانیت	عامل	مکان	مشکل	اطلاعات	زمان	راهبرد کاربستی
نامحدود-جامع	عامل عقلانی	سیستم بسته	به‌خوبی تعریف شده	اطلاعات کامل	نامحدود	تصمیم بهینه/ گشودن مشکل
محدودیت‌های شناختی	عامل اشتباه کننده[1]	مکان باز به محیط	مبهم/ پایه ارزیابی	ناکامل	محدود	راضی کردن/ دربرگرفتن حداقل/ کف توقعات
تنوع و گوناگونی اجتماعی	چند عامله، نیازمند مهارت‌های گوناگون و هماهنگ کننده	مکان‌های متعدد به لحاظ اجتماعی متفاوت	تفسیرهای متفاوت	کیفیت‌های متفاوت، دسترسی متفاوت	متفاوت در نظر عاملان	شبکه کردن رضایت مندی
چندگانه‌باوری	عاملان با منافع متضاد	سازمان‌های با میزان دسترسی متفاوت	تعریف‌های چندگانه از مشکل، ارزش، حقوق، اثرپذیری)	رقابت بر سر اطلاعات، در معرض مخفی ماندن، در معرض دستکاری شدن	زمان قدرت است	چانه‌زنی، اندک افزایی، تنظیم کردن چک کردن
ساختار شده/ اقتصاد سیاسی	عاملان در ساختارهای سیاسی- اقتصادی نابرابر	امکان‌های مرتبط با قدرت: منابع مهارت‌ها و ضعیت‌های متفاوت	تعریف ایدئولوژیکی مشکلات	اطلاعات غلط ایدئولوژیکی	دادن وقت به نفع دولت	واکنش نشان دادن، سازمان دهی کردن، پیش بینی کردن

منبع: نویسنگان براساس (فورستر، ۱۹۸۴:۲۶)

۶- بازبینی سیر تحول زمان‌سنجانه (کرونولوژیک) گونه‌های مختلف عقلانیت

معیارهای گونه شنا سی عقلانیت با رجوع به بازبینی متون پیش‌گفته (نک به: بند ۴) شامل دو دسته محدود یا نامحدود بودن و تأکید بر کنش از پیش‌تعیین شده یا تأکید بر میان‌کنش داشتن هستند. بر این اساس گونه‌های کلان عقلانیت شامل سه گونه عقلانیت دکارتی[2]، عقلانیت [کلاسیک] وبری[3] محدود و عقلانیت هابرماسی[4] ارتباطی است (شکل ۳). این سه گونه عقلانیت براساس معرفی و گونه‌شناسی‌های خرد، پیش‌فرض‌های هرگونه عقلانیت، شیوه برنامه ریزی و فرایند تصمیم‌گیری و انتقادها تشریح خواهد شد.

۱. Fallible actor

۲. Descartian rationality

۳. Weberian rationality؛ ماکس وبر جامعه شناس آلمانی تعبیری از کنش اجتماعی پیشنهاد کرد که سبب تغییر در تعریف عقلانیت از یک انگاشت مطلق که بر این باور است برخی باورها می‌توانند به طور کل غیرعقلانی باشند.

۴. Habermasian rationality؛ هابرماس منتقد اصلی عقلانیت وبری بود و بر میانکش‌ها را جایگزین کنش در عقلانیت وبری می‌دانست.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

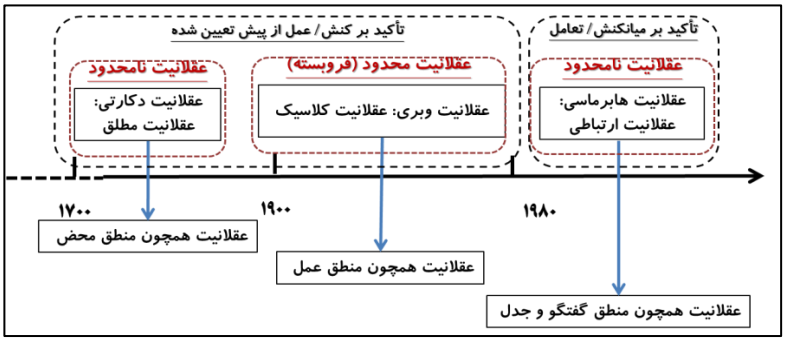

شکل ۳ سیر تحول زمانی گونه‌های عقلانیت

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

۱-۶- عقلانیت نامحدود؛ عقلانیت همچون منطق محض

پیش‌درآمد همه انواع عقلانیت مرتبط با برنامه‌ریزی، عقلانیت عصر روشنگری در قرن هفدهم میلادی است. این شکل نامحدود عقلانیت یا عقلانیت دکارتی، برای اعتبار بخشیدن به باورها و کنش‌ها بر رویه‌های عقلانی جهان شمول و متعالی[1] (جایگزین هنجارهای سنتی ر سوم پیش از خود) تأکید دارد. این به معنای باور به وجود منبع بی‌نهایت علت‌ها برای باورها و کنش‌های متعاقب آن است. بر این مبنا این نوع عقلانیت نامحدود، غیرفروبسته و آزاد از ارزش است و به این دلیل آن را تفکری خیال‌باوری[2] پنداشته‌اند. در چنین تفکری شکلی از یک نظم اجتماعی دلخواه (با تشریح جزئیات) وجود دارد که همواره همچون یک وضعیت نهایی در یک حالت تعادل کامل (و بیرون از زمان تاریخی) در نظر می‌آید. شکل‌های گوناگون نظام‌های سیاسی چون کمونیسم کامل، سرمایه‌داری کامل، حکومت رسته‌ای (صنفی)، سوسیالیسم ملی و دموکراسی مشارکتی انگاره‌های چنین تفکری‌اند (الکساندر، ۲۰۰۰:۲۴۴؛ دانشپور، ۱۳۹۴: ۱۶۴).

برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت نامحدود متکی بر شش پیش‌فرض است (فروستر، ۲۳-۲۴: ۱۹۸۴): الف- وجود مشکلات مشخص و بدون ابهام؛ ب- وجود گزینه‌های کامل برای گشودن مشکل‌های برنامه‌ریزی شهری (یعنی مشکل‌هایی که با دخالت سازوکار برنامه‌ریزی گشوده شدنی است)؛ پ- وجود اطلاعات کامل درباره مشکل‌های برنامه‌ریزی شهری؛ ت- وجود اطلاعات کامل درباره پیامدهای گزینه‌های گشودن مشکل؛ ث- وجود اطلاعات کامل درباره ارزش‌ها و اولویت‌های گروه‌های درگیر در منافع عمومی برنامه‌ریزی شهری؛ ج- وجود زمان

---

۱ Transcendent

۲ Utopianism؛ خیال‌باوری؛ باور به طرح‌های ایده‌آل و غیرعملی با هدف اصلاحات اجتماعی و سیاسی

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

کافی، تخصص‌های لازم و منابع مورد نیاز چون منابع مالی و فنی و نیروی انسانی برای شناسایی و گشـــودن مشـــکل‌ها. در این نوع عقلانیت فرض بر این اســـت که هیچ‌گونه ابهام و خطایی در شناسایی مشکلات برنامه‌ریزی و ریشه‌ها و علت‌های وقوع آن‌ها وجود نخواهد داشت، همچنین تصور می‌شود محدودیتی در زمان، منابع مالی و غیرمالی و مانند آن‌ها برای گشودن مشکل به خوبی تعریف شده و روشن وجود ندارد و برنامه‌ریز با هیچ‌گونه عدم قطعیت/ نامعلومی در زمینه مشکل، پیامدهای آن و ارزش‌های جامعه روبه‌رو نیست (همان).

رویکردهای برنامه‌ریزی ســـاده- جامع و عقلانی- جامع را می‌توان شـــیوه برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت نامحدود دانست. برخی از اندیشه‌های کلیدی معرفی شده در این نوع برنامه‌ریزی که در دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ پرداخته شده‌اند، هسته اندیشه برنامه‌ریزی هستند. برنامه‌ریز در این نوع برنامه‌ریزی در نقش یک دانای کل و داور بی‌طرف آزاد از ارزش کنش می‌کند. او خودش را به عنوان یک مشاهده‌گر بی‌طرف به مشکلات مختلف شهر در نظر می‌گیرد. تمامی تحلیل‌ها توسط خود برنامه‌ریز به قاعده در آورده می‌شوند و او شخصاً متضمن به دست آوردن شناخت معتبری از مشکلات برنامه‌ریزی شهری می‌شود آن‌چنان که خارج از ذهن (عینی) است

(منتیسالو[1]، ۲۰۰۵:۳؛ فور ستر، ۱۹۸۷؛ فور ستر، ۱۹۸۴:۲۳). در مقایسه با فرایند عام تصمیم گیری عقلانی، فرایند تصـــمیم‌گیری مبتنی‌بر عقلانیت نامحدود فاقد مرحله تعیین هدف برنامه‌ریزی و تحلیل مشـــکل برنامه‌ریزی اســـت، زیرا اهداف در این نوع تصـــمیم‌گیری توســـط کارفرما ارائه می‌شـــوند، همچنین در این‌جا عقلانیت مطلق فرض می‌شـــود، بنابراین گزینه‌های تصـــمیم‌گیری وجود ندارد و بر نامه‌ریز بهترین تصـــمیم را (بدون در نظر گرفتن قیود و محدودیت‌های اطلاعاتی، زمانی، و مانند آن‌ها) می‌گیرد (فوســـتر، ۱۹۸۴:۲۴؛ دانشـــپور، ۱۴۶-۱۴۸: ۱۳۸۹).

برخی از مهم‌ترین انتقادهای وارد بر برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت نامحدود را می‌توان به شرح زیر بر شمرد (فوستر، ۲۳-۲۴: ۲۰۱۲؛ دانشپور، ۱۵۳-۱۴۸: ۱۳۸۹؛ زالی و منصوری بیرجندی، ۲۵-۲۶: ۱۳۹۵). نخست، انکارکردن فرهنگ‌ها و ارزش‌های ویژه توسط عقلانیت دکارتی و ثابت فرض شـــدن مطلوب ها از طریق ارائه اســـتانداردها؛ دوم، بی‌توجهی به عدم قطعیت‌های (نامعلومی‌های) اطلاعاتی؛ سوم، بی‌توجهی به عدم قطعیت‌ها (نامعلومی‌ها) در پیش‌بینی آینده و آینده‌نگری‌های غیرواقعی؛ چهارم، نادیده‌گرفتن قیود ســـیاســـی در تصـــمیم‌گیری‌های شـــهری و پنجم، بی‌توجهی به قیود و محدودیت‌های مرتبط با زمان، تخصص‌ها، منابع مادی و مانند آن‌ها.

---

[1] Mantysalo

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۲-۶- عقلانیت کلاسیک محدود؛ عقلانیت همچون منطق کنش

پس از طوفان انتقادها از عقلانیت دکارتی، وبر[1] مفهوم عقلانیت را با معرفی یک بعد اجتماعی و سیستم ارزش‌ها زنده کرد. او با بیان این‌که داوری ذهنی یا داده‌های حسی کم و بیش بر تصمیم‌ها اثرگذارند، در جستجوی تحلیل و تجویز یک شکل تصمیم‌سازی عقلانی بود که حقیقت را از ارزش‌ها جدا کند؛ بنابراین عقلانیت کلاسیک قائل به وجود تفاوت در ارتباط میان ارزش‌ها، اهداف، باورها و کنش‌ها یا کنش‌هاست. این دوگانگی منجر شد که وبر تمایزی میان عقلانیت رسمی[2] و عقلانیت محتوایی[3] قائل شود (آیزن[4]، ۵۹-۵۷: ۱۹۷۸؛ رفیعیان، جهانزاد، ۱۳۹۴؛ شیخزاده و شیخزاده، ۱۵۰-۱۵۱: ۱۳۸). او این گونه‌ها را همچون یک رابطه منطقی میان وسیله‌ها و مقصدها برپایه ارزیابی اثرات کنش پیشنهادشده تعریف می‌کند که در مجموع می‌توانند عقلانیت ابزاری[5] معرفی شوند.

نخست، عقلانیت رسمی[6]: این نوع عقلانیت مرتبط با ابزارهاست و به اهداف کاری ندارد. برنامه‌ریز مبتنی‌بر این تفکر فرض می‌کند که مقصدها از پیش تعیین‌شده هستند و می‌توانند کم و بیش عقلانی و یا حتی غیرعقلانی باشند (دانشپور، ۱۳۸۶:۱۶۳). از این‌رو برنامه‌ریز وظیفه‌ای در ارتباط با تعیین اهداف ندارد. زمانی که اهداف کلان و خُرد ارائه شدند، یک رویکرد عقلانی رسمی در جستجوی دستیابی به آن اهداف به کاراترین شیوه به لحاظ اقتصادی و اغلب قابل محاسبه با پول است؛ بنابراین منظور از رسمی در انتزاعی‌ترین حالت آن الگو یا شیوه‌ای است که یک هدف خاصی (یک محتوا) می‌تواند دست یافتنی شود (آیزن، ۱۹۷۸:۶۴). برخلاف کلیشه‌های رایج، این نوع عقلانیت تنها محدود به حقایق یا اطلاعات تجربی نیست، بلکه شامل انتخاب از میان گزینه‌های کنش مبتنی‌بر دانش ذهنی و قضاوت حسی شد و تصور و خلاقیت در طراحی گزینه‌های کنش را نیز دربرمی‌گیرد (اجلالی، ۱۳۸۸:۳؛ المندینگر، ۵۳-۶۰: ۲۰۰۲؛ الکساندر، ۲۴۵-۲۴۶: ۲۰۰۰).

دوم، عقلانیت محتوایی

---

۱. Weber, Max

۲. Formal Rationality

۳. Substantive Rationality

۴ Eisen

۵. Instrumental Rationality

۶. این نوع عقلانیت در برخی منابع عقلانیت کارکردی نیز نامیده می‌شود. نگاه کنید به: دانشپور، ۱۳۹۴: ۱۶۳.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

عقلانیت محتوایی با اهداف و ارزیابی آن‌ها سروکار دارد و مرتبط با تجویز ویژگی‌های محتوایی کنش و تعیین اهداف است. انتقادی که به عقلانیت رسمی می شود این است که برنامه‌ریزانی که در سازمان‌های عمومی کار می‌کنند فقط وظیفه خدمات‌دهی به سیاست مدارانی را ندارند که مسئولیت‌شان تدوین اهداف یا عقلانیت محتوایی است، بلکه برنامه‌ریزان خودشان صلاحیت تدوین اهداف را دارند؛ بنابراین این تفکر هم در ارتباط با مقصدها و هم وسیله‌ها قرار دارد، به این معنا که امکان تغییر مقصدها در حین کار، در نتیجه کار، در صورت تغییر شرایط و یا در صورت به دست آوردن اطلاعات جدید وجود دارد. پس مقصدها می‌توانند به‌طور پیوسته تغییر کنند. عقلانیت محتوایی بیشتر درپی درستی و حقانیتِ کنش و نگرانی درباره این‌که آیا وضعیت برنامه‌ریزی شده یا مطلوب واقعا مطلوب است یا خیر. به تعبیری دیگر زمانی موضوعی را از نظر محتوایی می‌توان غیرعقلانی خواند که تصمیم‌ها بیش از این‌که بر مبنای هنجارهای عمومی گرفته شوند، متأثر از عوامل سیاسی، عاطفی و اخلاقی فرد یا گروه خاصی باشند. از این‌رو می‌توان گفت اگر عقلانیت رسمی وابسته به بالا بردن کارایی است در آن صورت عقلانیت محتوایی وابسته به ایجاد عدالت و مساوات در جامعه خواهد بود (دانشپور، ۱۳۹۴: ۱۶۴؛ اجلالی و دیگران: ۱۳۹۱؛ آیزن، ۱۹۷۸:۶۵؛ آلمندینگر، ۲۰۰۲:۵؛ الکساندر، ۲۴۵-۲۴۶: ۲۰۰۰).

سوم، عقلانیت تکلیفی[۱]

این نوع عقلانیت که متمایز از دو نوع دیگر است، تنها عقلانیت مطلق یا نامحدود وبر بود. در جایی که عقلانیت رسمی شامل کنشی می‌شود که انتظارات و پیامدهای مقصد مطلوب و پیش‌بینی شده را محاسبه می‌کند و عقلانیت محتوایی ویژگی‌های ذاتی کنش را در نظر می‌گیرد، عقلانیت تکلیفی موضوع توجیه نهایی و اقناع گروه‌های درگیر را مطرح می‌کند. این نوع عقلانیت مرتبط با انجام وظایف شناخت‌شناسی خاصی است که در مقام ارزیابی باورها هستند (شیخ‌زاده و شیخ‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۴۵؛ اجلالی و دیگران، ۱۳۹۱؛ الکساندر، ۲۴۵:۲۰۰۰).

پیش‌فرض‌های تصمیم‌سازی مبتنی‌بر عقلانیت کلاسیک چنین تشریح می‌شوند (فروستر، ۱۹۸۴:۲۴): ابهام و تعریف نشده بودن مشکلات، اطلاعات ناکافی و عدم قطعیت درباره گزینه‌های گشودن مشکل‌های برنامه‌ریزی شهری، اطلاعات ناکافی و عدم قطعیت درباره پیامدهای گزینه‌ها گشودن مشکل‌های برنامه‌ریزی شهری، اطلاعات ناکافی و عدم قطعیت (نامعلومی‌ها) درباره زمینه مشکل‌های برنامه‌ریزی شهری، اطلاعات ناکافی و عدم قطعیت درباره

۱. Deontic Rationality

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

دامنه و متن ارزش‌ها، اولویت‌ها منافع و مانند آن‌ها، محدودیت زمان، مهارت‌های مورد نیاز و منابع مالی برای گشــودن مشــکل‌های برنامه‌ریزی شــهری؛ بنابراین این نوع عقلانیت با پذیرش قیود و عدم قطعیت‌ها (نامعلومی‌ها) در برنامه‌ریزی درپی تصــمیم‌ســازی بهینه اســت. با افزایش پیچیدگی‌ها در نظام‌های اجتماعی عقلانیت ابزاری نیازمند ابزارهای به ســـامان‌تر و اصـــلاح شــده‌تری در تصــمیم‌ســازی همچون روش‌های تحلیل مشــکلات، مدل‌ســازی ســیســتم‌ها و یکپارچه‌سازی چشم‌اندازهای مختلف از یک موضوع پیچیده می‌شود (Roncevic, Makarovic, ۲۰۱۰: ۲۲۳-۲۲۴) (Dryzek, ۱۹۸۷: ۴۲۴-۴۲۷). مهم‌ترین رویکردهای برنامه‌ریزی مبتنی‌بر این نوع عقلانیت را می‌توان به شرح زیر برشمرد.

- **برنامه‌ریزی وکالتی**

پیروان رویکرد برنامه‌ریزی وکالتی در انتقاد از برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت نامحدود باور دارند که در یک جامعه تکثرگرا، نه به لحاظ علمی و نه به هیچ لحاظ دیگری ارزش‌های عینی مشـــخص نمی‌تواند وجود داشـــته باشـــد. این منتقدان بیان می‌کنند که دیدگاه برنامه‌ریزی بی‌طرف و آزاد از ارزش نادرست بوده و منافع عمومی با اصطلاحات عینی قابل تعریف نیســتند. در این دیدگاه برنامه‌ریز با گرفتن نقش وکیل همچون یک راهنمای قانونی به ایجاد دموکراســی در برنامه‌ریزی عمومی کمک می‌کند؛ با اجازه دادن به این‌که هم حرف شهروندان شنیده شود، هم شهروند بتواند با آشنایی به زبان تخصصی برنامه‌ریزان از دلایل پیشنهادات برنامه‌ریزی آگاه شود (دیویدف[1]، ۱۹۷۳:۲۷۹؛ منتیسالو[2]، ۳-۵: ۲۰۰۵؛ رفیعیان و جهانزاد، ۱۳۹۳: ۲۸۲-۲۸۵)؛ بنابراین عقلانیت تکلیفی و عقلانیت محتوایی در این نوع برنامه‌ریزی مورد توجه است.

- **برنامه‌ریزی اندک‌افزا**

توســـعه‌دهندگان رویکرد اندک‌افزا در برنامه‌ریزی[3] در انتقاد از برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت نامحدود بیان می‌کنند و از آن‌جا که برنامه‌ریزان بخش عمومی نه زمان و نه منابع مادی مورد نیاز برای تضـــمین تحلیل‌های کلی و جامع مشـــکلات برنامه‌ریزی را در دســـت دارند؛ بنابراین برنامه‌هایشان را بر پایه دانشی متعصب و هواخواهانه و برمبنای شک به نتایج آینده تصمیم‌شان

---

[1] Davidof

[2] Mantysalo

۳. چارلز ای. لیندبلام (Charles, E. Lindblim) از مهم‌ترین توسعه‌دهندگان این رهیافت است.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

توسعه می‌دهند. در واقع آرمان‌باوری عقلانیت در رویکرد جامع نتیجه بی‌ثمری داشت، هنگامی که راهنمای کار برنامه‌ریزان برای اجرای برنامه شود. در رویارویی با این مشکل پیشنهاد شد که تصمیم‌های مهم شهری باید در چارچوب یک ساختار سیاسی تکثرگرا که در آن هیچ فرد یا گروهی قدرت یا دانش کامل ندارد، اتخاذ شود و در نتیجه آن فرایند تصمیم‌سازی با عنوان اندک افزائی ناپیوسته[1] مطرح شد (مانتیسالو، ۵-۸: ۲۰۰۵؛ فورستر، ۸۷:۱۹۹۳). در این رویکرد برنامه‌ریز فقط به دنبال تغییراتی می‌گردد که در آن رضایت همه گروه‌ها به دست بیاید و چون چنین تغییراتی قاعدتاً کوچک هستند، این نوع برنامه‌ریزی اندک‌افزاست. این نوع برنامه‌ریزی درپی کیفیت تصمیم‌ها (مقصدها) نیست و تنها به چگونگی سازمان مدیریت عمومی اهمیت می‌دهد که به گرفتن هر تصمیمی در جامعه متکثر منجر شود، از این‌رو می‌توان این رویکرد را مبتنی‌بر عقلانیت رسمی دانست.

- **برنامه‌ریزی راهبردی**

برنامه‌ریزی راهبردی را یک فرایند تصمیم‌سازی فعل و انفعالی، پویا و مداوم معرفی کرده‌اند. بر این اساس فرایند برنامه‌ریزی راهبردی، ویژگی سنتی عام بودن و جامع بودن را از دست می‌دهد و تبدیل به یک فرایند مشروط و جلو رونده چند عامله و چند تصمیمه می‌شود که طی یک فرایند جلو رونده یادگیری، مشکلات و راه‌حل‌های آن‌ها را درک کرده و تدوین می‌کند. در این نوع برنامه‌ریزی، تصمیم‌ساز، درگیر در میان انواع قیود و عدم قطعیت‌ها (نامعلومی‌ها) در محیط برنامه‌ریزی برای تعیین اهداف و راه‌های دستیابی به آن است (آلبرشترز، ۲۰۱۲:۴۶؛ دایسون، ۱۹۹۰:۵؛ هیلی، ۲۰۰۷:۳۰؛ فورستر، ۱۹۸۴:۲۵؛ فرند و هیکلینگ، ۳-۸: ۲۰۰۵)، رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی را می‌توان مبتنی‌بر عقلانیت محتوایی و نیز عقلانیت ارتباطی محدود، از آن‌جا که در طول دوره تکامل خود موضوعاتی چون گفتگو و مباحثه را وارد ادبیات خود کرده است، دانست که در بند ۵-۳ تشریح شده است (رحیمی، ۱۳۹۴:۶۲).

مهم‌ترین انتقادی که به تصمیم‌گیری مبتنی‌بر عقلانیت کلاسیک وارد است که این گونه عقلانیت به یک بعد سیاسی برنامه‌ریزی توجه نمی‌کند که ساختار حقیقی قدرت در شهر است. در واقع با وجود این‌که رویکردهای مبتنی‌بر این نوع عقلانیت (به ویژه رویکردهای اندک‌افزا و وکالتی) به تکثرباوری ارزش‌ها و منافع متضاد باور دارند، اما در تشخیص منافع عموم به صورتی

[1] Disjoined Increment

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

کاملاً نخبه گرا و فن‌ســـالارانه[1] عمل می‌کنند (مانتیســـالو، ۳-۸: ۲۰۰۵)، این نوع عقلانیت با پیچیده‌تر شدن شرایط پا سخ‌گویی خود را از د ست می‌دهند و کنش عقلانی در این چارچوب کاملاً غیرممکن می شود (دریزک[2]، ۱۹۸۷:۴۲۷؛ رونز سویک[3]، ماکارویک[4]، ۲۰۱۰:۲۲۴). در واقع در این رویکردها د ستر سی به فرایند ت صمیم‌گیری بی‌طرفانه‌ای بین گروه‌های درگیر در منافع عمومی برنامه‌ریزی توزیع نشده و این فرایند بیشتر در دسترس کسانی سازمان‌دهنده‌هاست. از ســـویی دیگر تأیید قدرت در جامعه با چنان ظرافت و حد ملایمی می‌تواند در میان گروه‌های ضـعیف بازتولید شـود که حتی آن‌هایی که با سـیسـتم مخالفت دارند نیز ناآگاهانه‌ای، قدرت را بازتولید کنند (مانتیسالو، ۳-۸: ۲۰۰۵؛ فور ستر، ۸۸-۹۰: ۱۹۹۳)؛ بنابراین بنا به گفته فریدمن[5] در شیوه‌های برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت کلاسیک، تناقض اصلی این است که بازندگان مطابق با یک نمودار پاره تو، باید تا ابد غرامت بدهند و برندگان هر آن‌چه را که خواســـتند بگیرند (فریدمن، ۱۹۸۷:۳۳۲). این رویکردها در نهایت خود را از اثبات‌باوری عقلانی جدا کرده و با بازگشـــت دوباره به اتکا به دانش شـــخصـــی مانند برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت نامحدود عمل می‌کنند. نتیجه این جدایی را بازگشت به ریشه‌های آنار شیستی برنامه‌ریزی دانسته‌اند (هال[6]، ۳۳۴-۳۳۳: ۱۹۸۸).

۳-۶- عقلانیت ارتباطی؛ عقلانیت همچون منطق جدل

بنابر نظریه عقلانیت ارتباطی دانش نه مطلق، نه تجربی و نه فردی است، بلکه در اصل یک ساخت اجتماعی است؛ بنابراین عقلانیت بیش از این‌که صفتی برای کنش‌ها باشد باید مرتبط با میان‌کنش‌های اجتماعی باشد. از این‌رو عقلانیت ارتباطی در برابر گونه‌های پیشین عقلانیت که تأکید بر داشتن علت برای کنش‌ها داشتند، تمرکز بر دادن علت برای کنش‌ها دارند. به این معنا که در این‌گونه پیش‌داوری درباره کنش مطلوب وجود ندارد. در واقع کنش مطلوب به انتخاب در بین کنش‌ها در چارچوب اهداف نمی‌پردازد (چنان‌که عقلانیت محتوایی و عقلانیت ابزاری می‌پردازند)، بلکه بیشتر میان‌کنش‌ها را ارزیابی می‌کند. از این‌رو عقلانیت در تعریف هابرماس

---

۱. technocrat
۲ Dryzek
۳ Roncevic
۴ Makarovic
۵ Friedman
۶ Hall

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

برابر با برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می‌کند. معیارهای این نوع عقلانیت بیش از این‌که پیامدهای کنش‌ها را مخاطب قرار دهند، با کیفیت ارتباط (میان‌کنش) درگیر هستند و نشان از آن دارند که عقلانیت ارتباطی نیز همانند عقلانیت نامحدود آرمان‌باور است (شیخ‌زاده و شیخ‌زاده، ۱۳۸۶:۱۴۲؛ اجلالی و دیگران، ۱۳۹۱؛ افتخاری و بهزاد نسب، ۸-۱۰: ۱۳۸۳؛ فورستر، ۸۸-۹۰: ۱۹۹۳؛ الکساندر، ۲۴۶-۲۴۷: ۲۰۰۰؛ فریدمن، ۱۹۸۷:۳۳۲؛ مانتیسالو، ۳-۸: ۲۰۰۵). مفهوم‌های اصلی رویکرد همکارانه از سه زمینه فکری ترکیب نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی و نظریه اجتماعی نهادباوری در برنامه‌ریزی شهری مبتنی‌بر تفکر راهبردی ریشه گرفته‌اند. از یک‌سو پایه‌ای نظری، و از سوی دیگر دستورکار عملی برای برنامه‌ریزی همکارانه بنا می‌نهند که با تأکید بر جنبه‌های ارتباطی برنامه‌ریزی فضایی آن را به عنوان فرایندی اجتماعی معرفی می‌کند (دانشپور و ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۷). رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی با برقراری ارتباط بین برنامه‌ریزی و عقلانیت ارتباطی درپی ارتباط در برنامه‌ریزی است. تأکید این نظریه برنامه‌ریزی بر اهمیت مهارت‌های بین فردی ارتباط و مذاکره برای اجرای کارای سیاست‌ها و برنامه‌ها در دهه ۱۹۹۰ میلادی آن را از رویکردها در دوره‌های پیشین متمایز کرد. این رویکرد توجه خود را بر عدم قطعیت‌ها و کمبود اطلاعات از موضوع مورد برنامه‌ریزی معطوف می‌دارد و بر این باور است که در تصمیم‌گیری‌ها علاوه‌بر اجماع متقابل نیاز به درک متقابل نیز وجود دارد (مانتیسالو، ۸-۱۴: ۲۰۰۵؛ رفیعیان، معروفی، ۱۱۴-۱۱۶: ۱۳۹۰). شرایط پایه تصمیم‌سازی در هر موضوعی مبتنی‌بر عقلانیت ارتباطی به این شرح هستند (فورستر، ۱۹۸۴:۲۴؛ دریزک، ۴۴۰-۴۴۱: ۱۹۸۷؛ فلایبیرگ[۱]، ۳:۲۰۰۰): الف- هیچ کس و هیچ بخشی که از موضوع بحث به نحوی متأثر می‌شوند نباید از گفتمان حذف شوند (شرط عمومیت)، ب- همه مشارکت‌کنندگان و بازیگران باید فرصت برابر برای ارائه و نقد ارزش‌های مطرح در فرایند مباحثه داشته باشند (شرط خودمختاری)، ج- بازیگران باید قادر به طرح و دفاع از اعتبار ادعاهای خود باشند (شرط ایفای نقش دلخواه)، د- تفاوت‌های بازیگران در نزدیکی به قدرت باید خنثی شود و اثری در دستیابی به هم‌رأیی نداشته باشد (خنثی شدن قدرت)، ه- بازیگران باید اهداف و خواسته‌های‌شان را به روشنی و با جزئیات شرح دهند (شرط شفافیت)، و- زمان نامحدود برای مباحثه و دستیابی به هم‌رأیی باید وجود داشته باشد. انتقاداتی به برنامه‌ریزی مبتنی‌بر عقلانیت ارتباطی وارد شده است: رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی روابط بین پیوندی[۲] افراد، نهادها و جامعه را مورد غفلت قرار داده است و در نظر نگرفتن این ارتباط درونی باعث شده این نظریه به جای توجه به روابط گسترده‌تر، اعمال

---

۱ Flyvbjerg

۲. Inter-Connection

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

افراد را مورد توجه قرار دهد. دسته دیگر انتقادها رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی را نه به علت صراحت و گوناگونی آرمان‌هایش که بیشتر در تمایل به جایگزینی مباحث اخلاقی برای تحلیل دچار کاستی می‌داند و بر این باور است که این نظریه از نیروهای اجتماعی و اقتصادی غفلت کرده است که موجب کشمکش اجتماعی[1] و چیرگی قدرت می‌شوند. این رویکرد به فرایندهای برنامه‌ریزی توجه می‌کند، اما بروندادها را نادیده می‌گیرد. همچنین نظریه‌پردازان این رویکرد از توجه به زمانی اجتناب می‌نمایند که فرایندهای باز[2] نتایج ناعادلانه ارائه می‌دهد و امکان این که روش‌های تصمیم‌سازی نظام پدرسالار[3] و دیوان‌سالار[4]، پیامدهای مطلوبی به همراه داشته باشند را مورد توجه قرار نمی‌دهند (رحیمی، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۳؛ هریس[5]، ۲۰۰۲:۳۲؛ فاینستاین[6]، ۴-۶: ۱۹۹۹).

د سته دیگر منتقدان، آرمان‌باوری عقلانیت ارتباطی سر د ستیابی به هم‌رأیی نامحدود را مورد پرســش قرار داده و این پیش‌فرض هابرماس که بشــر ذاتاً به دنبال هم‌رأیی و آزادی از ســلطه و برقراری ارتباط اســـت را «ســـاده‌انگارانه» خوانده و به این باورند که این دیدگاه مانع شـــناخت عملکرد واقعی قدرت و ناتوان از درک فرایندهای سیا سی واقعی ا ست. از این‌رو صحبت کردن درباره ارتباط بدون حضور قدرت بی‌معنی است، چرا که قدرت همیشه حاضر است (میشل فوکو بــه نقــل از اطهری، ۱۳۹۳: ۴۳۶-۴۴۰؛ فلایبیرگ، ۵-۸: ۲۰۰۲؛ فلایبیرگ، ۱۹۹۶:۳۸۴؛ رونسیویک، ماکارویک، ۲۰۱۰:۲۲۴).

۷- برهم نهاد گونه های عقلانیت و گونه های برنامه‌ریزی و ســـیر تکامل زمان‌سنجی (کرونولوژیک) آن

سیر تکامل زمان‌سنجی (کرونولوژیک) عقلانیت در برنامه‌ریزی و اثرات آن بر رویکردهای برنامه‌ریزی را در پنج دوره چنین بیان کرد (شکل‌های ۴ و ۵): در **دوره نخست** عقلانیت در برنامه‌ریزی به شکل مطلق در رویکرد برنامه‌ریزی ساده- جامع دیده می‌شود. تمرکز برنامه‌ریزی

---

۱. Social Conflict

۲. Open process؛ فرایندهای باز یعنی فرایندهایی که با حضـــور بی‌شـــمار گروه‌های درگیر در منافع عمومی تصمیم‌سازی با منافع چندگانه متعدد انجام می‌شوند.

۳. Paternalism

۴. Bureaucratic

۵ Harris

۶ Feinstein

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

در این دوره بر انجام بهترین کنش برای دستیابی به هدفی که توسط کارفرما تعیین می‌شد (و نیازی نداشت به این‌که عقلانی باشد)، بود و فرض می‌شد منابع مورد نیاز برنامه‌ریزی در دسترس و نامحدود هستند. برنامه‌ریز در این دوره نقش یک داور بی‌طرف و رها ارزش را بازی می‌کند. در **دوره دوم** عقلانیت هنوز به شکل مطلق آن در برنامه‌ریزی مطرح است (و اگر در جایی نیز تمایل به در نظر گرفتن محدودیت‌ها وجود داشت گرایش به عقلانیت رسمی بود). تمرکز رویکرد برنامه‌ریزی جامع- عقلانی انتخاب کنش کارا برای رویارویی با مشکلات برنامه‌ریزی بود. فرض اصلی در این دوره همچنان نبود محدودیت در زمان و اطلاعات مورد نیاز برای مشکل‌گشایی است. در **دوره سوم** با به رسمیت شناخته شدن محدودیت‌های زمانی و منابع اطلاعاتی دو نوع رویکرد چیزه در برنامه‌ریزی قابل بازشناسایی است: الف- رویکردهای مبتنی‌بر عقلانیت محتوایی: در رویکردهای پی‌گیر این نوع عقلانیت برنامه‌ریز در نقش یک منجی درپی انجام کنش عادلانه در رویارویی با چندگانگی ارزش‌ها در جامعه است. این رویکردها از این جهت که دغدغه مقصد و عادلانه بودن آن را دارند مبتنی‌بر عقلانیت محتوایی هستند؛ و ب- رویکردهای مبتنی‌بر عقلانیت رسمی: دسته دیگر رویکردهای برنامه‌ریزی درپی هم‌رأیی دو سویه میان گروه‌های با منافع متضاد (بدون نگرانی درباره کیفیت تصمیم‌های ناشی از این هم‌رأیی‌ها) هستند؛ بنابراین در این رویکردها عاملان اصلی برنامه‌ریزی نه برنامه‌ریزان، بلکه گروه‌های با منافع متضاد هستند. **دوره چهارم** که می‌توان آن را دوره بلوغ عقلانیت در برنامه‌ریزی خواند، دوره تسلط عقلانیت محتوایی و عقلانیت رسمی و مطرح شدن عقلانیت ارتباطی محدود در برنامه‌ریزی است. هدف رویکردهای برنامه‌ریزی پی‌گیر این نوع عقلانیت در برنامه‌ریزی انجام کنش‌های کارا، عادلانه و جمعی برای تحمل کم‌ترین شکست و رویارویی با عدم قطعیت‌هاست. **دوره پنجم** تسلط عقلانیت ارتباطی در برنامه‌ریزی است. دغدغه اصلی رویکردهای مبتنی‌بر این نوع عقلانیت میان‌کنش‌هاست. در این دوره صرفاً دستیابی به هم‌رأیی هدف نیست، بلکه دستیابی به هم‌رأیی بر مبنای درک دوسویه هدف اصلی برنامه‌ریزی است.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

شکل ۴ سیر تکامل زمان‌سنجانه (کرونولوژیک) گونه‌های عقلانیت و اثر آن در برنامه‌ریزی

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

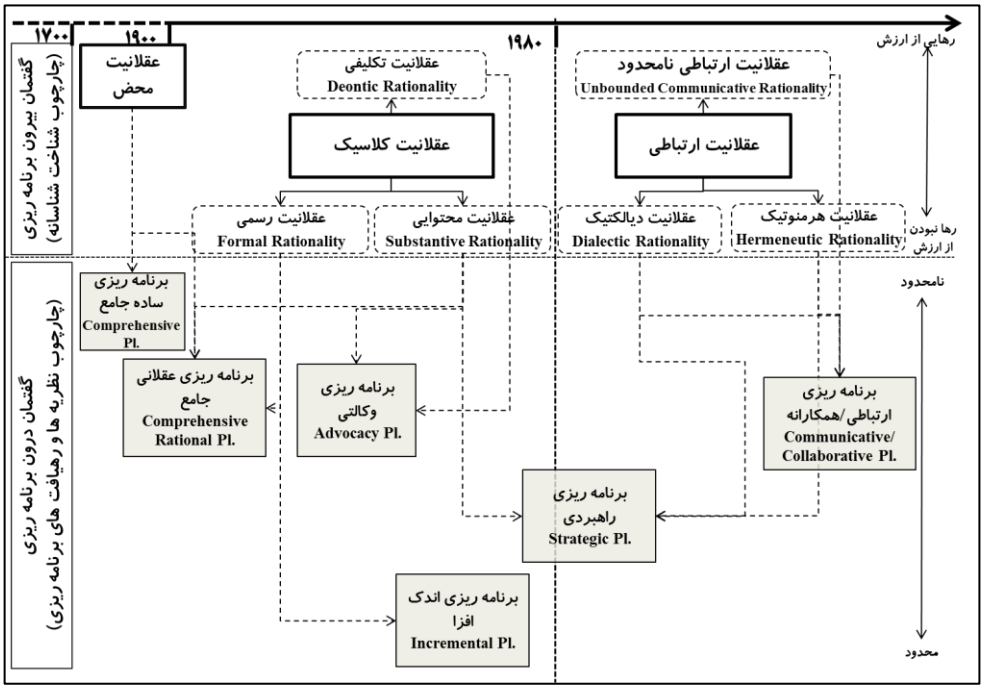

شکل ۵ مدل مفهومی زمان‌سنجانه (کرونولوژیک) گونه‌های عقلانیت و نظریه‌های برنامه‌ریزی برآمده از آن
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

۸- بحث و نتیجه‌گیری: ردیابی بایســـتگی به کارگیری عقلانیت در برنامه ریزی فضایی راهبردی شهری

براساس گونه‌بندی که در این مقاله از معیارهای عقلانیت انجام شد، می‌توان در مورد بایستگی به کارگیری عقلانیت در برنامه‌ریزی فضـایی راهبردی شـهری در مسـیر راه‌اندازی روشـی برای مشـکل‌گشـایی با این مقصـود که بتواند پیامدهای روی‌دادن مشـکل‌ها را در یک فرایند برنامه ریزی فضایی راهبردی در سطح شهری کاهش دهد، بحث نمود و سپس آن را به صورتی در نظر آورد که به دسـتاوردهای توانمندی سـازوکار برنامه‌ریزی شـهری در رویارویی با منافع متناقض نهادها، گروه‌های تصـــمیم‌گیر و برنامه‌ریز، افزایش آگاهی گروه‌ها از ارزش‌های راهنما و زیرکار برنامه‌ریزی فضـــایی راهبردی مبتنی‌بر عقلانیت و نیز آگاهی از شـــیوه‌های تصـــمیم‌گیری و سیا ست‌گذاری گوناگون دیگر عوامل ت صمیم‌گیری و سیا ست‌گذاری، به ر سمیت شناختن و رویارویی با عدم قطعیت‌ها (نامعلومی‌ها) و قیود موجود و ســـر راه به کارگیری تفکر عقلانی در برنامه‌ریزی فضـــایی راهبردی، در نظر گرفتن اثرات راهبردها و تاکتیک‌ها (ســـیاســـت‌ها و

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

پیشنهادها) بر راهبردها و تاکتیک‌های (سیاست‌ها و پیشنهادهای) دیگر عوامل سیاست‌گذار و برنامه‌ریز بیانجامد. این دستاوردها نشان از نیازمندی برنامه‌ریزی فضایی با به کارگیری تفکرهای هم‌زمان عقلانیت، راهبردی و مشکل‌گشا و راه‌اندازی روشی برای ترکیب این مفهوم‌های کلیدی را نشـــان‌می‌دهند که بتواند پیامدهای کنش غیرعقلانی برنامه‌ریزی را کاهش دهد. شـــکل ۶ ترکیب معیارهای مرتبط با گونه‌های عقلانیت، نظریه مشـــکل‌گشـــایی و تفکر راهبردی را در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهری نشان می‌دهد. این مقاله پس از بیان اهمیت تغییر تأکید از برنامه‌ریزی شهری سنتی به برنامه‌ریزی شهری فضایی مبتنی‌بر تفکر راهبردی و جفت نظریه های مشـــکل‌گشـــا و عقلانی، اهمیت رعایت نقش برنامه‌ریزی در اســـتقرار و به کارگیری یک سیستم و سازوکار برنامه‌ریزی کارآمد را مورد بحث قرار داد. تغییر از رویکرد برنامه‌ریزی سنتی به برنامه‌ریزی فضایی شهری به صورتی تفکرها و نظریه‌ها/ مفهوم‌های پایه در آن را گسترش می‌دهد که سیستم‌های شهری بتوانند با اصول این شیوه ترکیبی از برنامه‌ریزی سازگار شوند. بر پایه تعریف مفهوم عقلانیت در برنامه‌ریزی فضـــایی شـــهری و همچنین معیارهای تشـــخیص عقلانیت از یک‌ســو و گونه‌بندی آن معیارهای از ســوی دیگر (به صــورتی که در این مقاله انجام شد)، چارچوبی برای ردیابی عقلانیت (بر پایه چارچوب تحلیل پیشنهادی این مقاله) فراهم شد. در مسیر پیمودن فرایند طراحی شده در پاسخ به انتقادهای پسا- نوباوران به مفهوم عقلانیت مشخص شد سبب این انتقادات، مترادف فرض شدن آن با مفهوم عقلانیت ابزاری بوده است و گفتن این‌که برنامه‌ریزی نیاز ندارد که عقلانی باشــد مثل این اســت که گفته شــود برنامه‌ریزان می‌توانند راهبردهایی برای آینده را بدون تشریح آن‌ها و این‌که چرا این کنش‌ها اولویت دارند به بقیه تجویز کنند. برخلاف بسیاری از ادعاهای انتقادی، عقلانی بودن در ذات برنامه‌ریزی است. در نهایت بازدارنده‌های به کارگیری عقلانیت در سیستم برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهری که چیستی آن در دو زمینه اصلی در پژوهش پایه این مقاله ردیابی و مشخص شده‌اند را می‌توان چنین معرفی نمود: نخست، نبود دستورکار قانونی الزام‌آور برای پیروی نهادهای دست اندرکار در فرایندهای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری؛ دوم، وجود شکاف‌های شناخت‌شناسی، آمیزگری، و ســـیاســـی در برنامه‌ریزی شـــهری و نبود تعریف و دســـته‌بندی یکســـان از برنامه‌ریزی فضـــایی راهبردی شهری مبتنی‌بر تفکر عقلانی؛ سوم، بی‌توجهی به انطباق سنت‌های سیاسی و اقتصاد- سیاسی زیرکار، بنیان‌های شناخت‌شناسانه و نظریه‌ها و رویکردهای برنامه‌ریزی به‌کارگرفته شده در کنش و کاربست برنامه‌ریزی.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

معیارها	گونه‌های عقلانیت	نظریه مشکل-گشایی	تفکر راهبردی
محدود و واقع‌باور بودن در برابر نامحدود و آرمان‌باور بودن	عقلانیت نامحدود		
	عقلانیت محدود	●	●
مرتبط بودن با کنش‌ها در برابر مرتبط بودن با بیانیه‌ها یا مرتبط بودن با باورها	عقلانیت باورها		●
	عقلانیت بیانیه‌ها/ کُنش‌ها	●	●
مرتبط بودن با کنش مطلوب/ کارا در برابر مرتبط بودن با اقناع گروه‌های درگیر	عقلانیت ابزاری	●	
	عقلانیت تکلیفی		●
مرتبط بودن با کُنش‌ها در برابر مرتبط بودن با میان‌کنش‌ها	عقلانیت کُنش‌ها	●	●
	عقلانیت میان‌کنش‌ها/ ارتباطی		●
رها از ارزش بودن در برابر درگیر در ارزش بودن	عقلانیت همچون دلیل محض		
	عقلانیت همچون دلیل کنش‌ها	●	●
نخبه‌باور بودن در برابر چندگانه‌باور بودن	عقلانیت سودباور		
	عقلانیت مبتنی بر همرأیی	●	●
فردباور بودن در برابر چندگانه‌باور بودن	عقلانیت مبتنی بر کارایی اقتصادی	●	
	عقلانیت مبتنی بر عدالت اجتماعی		●
تمرکز بر ابزارها و مسیرها در برابر تمرکز بر مقصدها و اهداف	عقلانیت رسمی		
	عقلانیت محتوایی	●	●

● ارتباط قوی با گونهٔ عقلانیت ● ارتباط نسبی با گونهٔ عقلانیت

شکل ۶ ماتریس ترکیب دسته معیارهای مرتبط با عقلانیت، نظریه مشکل-گشایی و تفکر راهبردی در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهری

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

منابع

ابراهیم‌نیا، وحیده؛ دانشپور، زهره (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری در بزرگ شهر تهران: واکاوی دوگانه یکپارچگی- غیریکپارچگی، *نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا*، دوره ۲۲ (۱)، صص ۱۵-۲۸.

اجلالی، پرویز (۱۳۸۸). ظهور و سقوط نظریه خردگرا در برنامه ریزی، *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۵.

اجلالی، پرویز؛ رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی (۱۳۹۱). نظریه برنامه‌ریزی: دیدگاه‌های سنتی و جدید، تهران، نشر اگه.

اطهری، سید حسین (۱۳۹۳). دیالوگ فوکو و هابرماس درباره بنیان‌های مدرنیته؛ انسان‌گرایی، گفتمان و دموکراسی، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۴، شماره ۲، صص ۴۳۱-۴۴۶.

افتخاری، رکن‌الدین؛ بهزادنسب، جانعلی (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی ارتباطی، رویکرد انتقادی به نظریه برنامه‌ریزی، با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱-۲۲.

دانشپور، زهره (۱۳۸۷). معرفی رهیافت گام به گام مشکل‌یابی- مشکل‌گشایی: پیشنهادی مقدماتی برای آزمون شیوه تدبیر شده مشکل‌یابی در شهر تهران، *نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا*، شماره ۳۶، صص ۵-۱۶.

دانشپور، زهره (۱۳۹۴). *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

دانشپور، زهره؛ ابراهیم نیا، وحیده (۱۳۹۴). فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه در پایه گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران، *نشریه علمی- پژوهشی صفحه*، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۸۵-۱۱۸.

رحیمی، حجت‌اله (۱۳۹۴). رویکرد پژوهش در عمل فضایی: تعادل میان مقیاسی روابط قدرت، دانش و تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی، نشریه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره نوزدهم، شماره ۱، صص۵۳-۷۸.

رفیعیان، مجتبی؛ آجیلیان، شیوا؛ شیری‌پور، مهدی (۱۳۹۱). رویکرد برنامه‌ریزی وکالتی در برنامه‌ریزی شهری (مورد مطالعه: شهر سبزوار، محله گلستان) ، *نشریه علمی- پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۷۷-۳۰۱.

رفیعیان، مجتبی؛ جهانزاد، نریمان (۱۳۹۴). *دگرگونی اندیشه در نظریه برنامه‌ریزی*، انتشارات آرمانشهر، ۱۳۹۴.

رفیعیان، مجتبی؛ معروفی، سکینه (۱۳۹۰). نقش و کاربرد رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی در نظریه‌های نوین شهرسازی، *نشریه علمی- پژوهشی آرمانشهر*، شماره ۷، صص ۱۲۰-۱۱۳.

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

زالی، نادر؛ منصوری بیرجندی، سارا (۱۳۹۵). شناسایی راهبردهای آسیب‌پذیر توسعه اقتصادی منطقه با رویکرد برنامه‌ریزی فرض‌بنیاد مطالعه موردی استان تهران، *نشریه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره بیستم، شماره ۱، صص ۲۱-۵۲.

شیخ‌زاده، محمد؛ شیخ‌زاده، رجبعلی (۱۳۸۶). بررسی مبانی عقلانیت در تصمیم‌گیری، *فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۶۴.

کاویانی‌راد، مراد؛ قره‌بگی، مصیب (۱۳۹۵). تبیین نسبت اکولوژی و دموکراسی در نظریه پساساختارگرایی، *نشریه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره بیستم، شماره ۲، صص۲۷۳-۲۹۵.

Albrechts, Louis. (۲۰۰۴) “Strategic (spatial) Planning Reexamined”, *Environment and Planning*, Vol. ۳۱, ۷۴۳-۷۵۸, (doi: ۱۰,۱۰۶۸/b۳۰۶۵)

Albrechts, Louis. (۲۰۱۲) “Reframing Strategic Spatial Planning by using a Coproduction Perspective” *Planning Theory* ۱۲ (۱). Pp. ۶۳-۶۴, ۲۰۱۲, (doi: ۱۰,۱۱۷۷/۱۴۷۳۰۹۵۲۱۲۴۵۲۷۲۲)

Alexander, Ernest. R. (۲۰۰۰) “Rationality Revisited: Planning Paradigms in a Post-Postmodernist Perspective”, Journal of *Planning Education and Research*, Vol ۱۹: ۲۴۲-۲۵۶, (doi: ۱۰,۱۱۷۷/۰۷۳۹۴۵۶X۰۰۰۱۹۰۰۳۰۳)

Allmendinger, Philip. (۲۰۰۲) *Planning Theory*, Palgrave.

Athari, Seyed Hasan. “Foucault and Habermas Dialogue about Modernity Foundations: Omanism, Discourse and Democracy”, Journal of Politics, Vol. ۴۴, No.۲, pp. ۴۳۱-۴۴۶, ۲۰۱۴, [In Persian]

Braun, V & Clarke, V. (۲۰۱۴) “What Can “Thematic Analysis” Offer Health and Wellbeing Researchers?” *International journal of qualitative studies on health and well-being*, ۹: ۲۶۱۵۲, (doi: ۲۵۳۲۶۰۹۲)

Creswell, John (۲۰۰۹) *Research Design; Qulitative, Quanttative, and Mixed Methods Approaches*, London, Sage.

Creswell, John. W. (۲۰۰۷) *Qualitative Inquiray and Research Design: Choosing Among Five Approache*, Sage, CA,

Daneshpour, Zohreh, A (۲۰۰۸) “ntroducing an incremental 'problem- finding- problem- solving' approach - a preliminary proposal to examine the 'problem- finding' approach in Tehran”, Journal of Honar-ha-ye Ziba, N ۳۶, pp. ۵-۱۶, [In Persian]

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

Daneshpour, Zohreh, A. (۲۰۱۵) An Introduction to Planning Thoeries, with Special References to Urban Planning Theories, Tehran, Shahid Beheshti University Publication, [In Persian].

Daneshpour, Zohreh, A.; Ebrahimnia, Vahide (۲۰۱۵) "Opportunities and barriers of applying collaborative approach to launch an integrated policy-making structure in Tehran", Journal of Soffeh, No ۲۵ (۱), pp. ۸۵-۱۱۸ [In Persian]

Davidoff, Paul (۱۹۷۳) *Advocacy and Pluralism in Planning*, in a *Reader in Planning Theory*, edited by Andreas Faludi. Pergamon, Oxford, pp. ۲۷۷-۹۶, ۱۹۷۳

Denzin, N.K., & Lincoln, Y.S. *Introduction: The discipline and practice of qualitative research*. In N.K. Denzin & Y.S. Lincoln (Eds.), *The sage handbook of qualitative research (۳nd ed.).* Thousand Oaks, CA: Sage, ۲۰۰۵

Dryzek, John S. (۱۹۸۷) "Complexity and Rationality in Public Life", Political Studies, ۳۵: ۳, pp. ۴۲۴–۴۴۲, (doi: ۱۰,۱۱۱۱/j.۱۴۶۷-۹۲۴۸,۱۹۸۷.tb۰۰۱۹۸.x)

Dyckman, John W. (۱۹۶۱) "Planning and Decision Theory", Journal of the American Planning Association, ۲۷: ۴, ۳۳۵ — ۳۴۵, (doi: ۱۰,۱۰۸۰/۰۱۹۴۴۳۶۶۱۰۸۹۷۸۳۶۸)

Dyson R. G., *Strategic Planning: Models and Analytical Techniques*, Chichester, Wiley in Europe, ۱۹۹۰

Ebrahimnia, Vahide; Daneshpour, Zohreh (۲۰۱۷) "Policy-making in Tehran: exploring the dichotomy of integration- disintegration", Journal of Honar-ha-ye Ziba, N ۲۲ (۱), pp. ۱۵-۲۸, ۲۰۱۷, [In Persian].

Eftekhari, Roknedin; Behzadnasab, Janali (۲۰۰۴) "Communication Palnning, Critical Approach to Planning Theory, with Reference to Rural Development Planning", Journal of Human Sciences MODARES, No ۸ (۱), pp. ۱-۲۲, [In Persian]

Eisen, A (۱۹۷۸) "The Meaning and Confusion of Weberian Rationality", *The British Journal of Socioligy*, vol ۲۹ (۱), (doi: ۱۰,۲۳۰۷/۵۸۹۲۱۹)

Ejlali, Parviz. "Rise and Fall of Rational Theory", Journal of Social Study of Iran, No ۳ (۲), ۲۰۰۹, [In Persian]

Ejlali, Parviz; Rafieian, Mojtaba, Asgari, Ali. (۲۰۱۲) *Planning Theory: Traditional and New Approaches*, Tehran, Agah Publication, [In Persian].

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

Feinstein, S. S. (۱۹۹۹) "New Directions in Planning Theory", *the Planning Research Confrence*, the University of Sheffield: Shefield.

Flyvbjerg, Bent, (۱۹۹۶)"*The Darkside of Planning: rationality and Realrationalitat"*, in Mandelbaum, Seymour J,. and et.al, "Explorations in Planning Theory" pp. ۳۸۳-۳۹۴.

Flyvbjerg, Bent, (۲۰۰۰) "*Ideal Theory, Real Rationality: Habermas Versus Foucault and Nietzsce"*, Political Studies Association's ۵۰th Annual conference, London School of Economics and Political Science, (doi: ۱۰,۲۱۳۹/ssrn.۲۲۷۸۴۲۱)

Forester, John (۱۹۸۴) *Bounded Rationality and the Politics of Muddling*, Public Administration Review, Vol ۴۴ (۱), (doi: ۱۰,۲۳۰۷/۹۷۵٦۵۸)

Forester, John (۱۹۸۷) "Planning in the Face of Conflict: Negotiation and Mediation Strategies in Local Land Use Regulation", *Journal of American Planning Association*, ۵۳ (۳), pp. ۳۰۳-۱۴, (doi: ۱۰,۱۰۸۰/۰۱۹۴۴۳۶۸۷۰۸۹۷۶۴۵۰)

Forester, John (۱۹۹۳) *Critical Theory, Public Policy, and Planning Practice*, State University of New York Press, Albany.

Friedmann, John, *Planning in the Public Domain from Knowledge to Action*, Princeton University Press, Princeton, Newjercy, ۱۹۸۷

Friend, J. and Hickling A. (۲۰۰۵) *Planning under Pressure the Strategic Choice Approach*, Elsevier Butter worth-Heinemann, Third edition.

Hall, Peter (۱۹۸۸) *Cities of tomorrow: An Intellectual History of Urban Planning and Design in the Twentieth Century***,** Blackwell.

Harris, N. (۲۰۰۲) *Collaborative Planning: From Critical Foundations to Practice Forms*, in P. Allmendinger and M. Tewdwr-Jones (eds) *Planning Futures: New Directions for Planning Theory*, pp. ۲۱-۴۳. London: Routledge.

Healey, Patsy (۱۹۹۷) *Collaborative Planning-Shaping Places in Fragmented Societies*, McMillian Press LTD: London.

Healey, Patsy (۲۰۰۳) "Collaborative in Perspective*", Planning Theory* Vol ۲ (۲), (doi: ۱۰,۱۱۷۷/۱۴۷۳۰۹۵۲۰۳۰۰۲۲۰۰۲)

Healey, Patsy (۲۰۰۷) *Urban Complexity and Spatial Strategies; Toward a Relational Planning for Our Time*, Routledge.

Healey, Patsy,McDougall, G. and Thomas, M. *Theoretical debates in planning: towards a coherent dialogue*, in P. Healey, G. McDougall and

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

M. Thomas (eds) (۱۹۸۲) *Planning Theory*. Prospects Jor the ۱۹۸۰s, Oxford: Pergamon Press.

Helms M.M. (۲۰۰۶) "Linking Strategic Practices and Organizational Performance to Porter's Generic Strategies". *Business Process Management Journal*, ۱۲(۴), ۴۳۳-۴۵۴, (doi: ۱۰,۱۱۰۸/۱۴۶۳۷۱۵۰۶۱۰۶۷۸۰۶۹)

Kavianirad, Morad; Gharebeigi, Mosaeieb (۲۰۱۶) "Explaining the relation between "ecology" and "democracy" in post-structuralism theory", Journal of Spatial Planning, No ۲, pp. ۲۷۳-۲۹۵, [In Persian]

Mäntysalo, R, (۲۰۰۵) "Approaches to Participation in *Urban Planning Theories*', (doi: ۱۰,۱,۱,۱۲۶,۳۱۰۷)

Meyer M., Belobaba P. (۱۹۸۲) "Contingency Planning for Response to Urban Transportation System Disruption", *Journal of the American Planning Association*, ۴۸ (۴), pp. ۴۵۴-۴۶۵, ۱۹۸۲, (doi: ۱۰,۱۰۸۰/۰۱۹۴۴۳۶۸۲۰۸۹۷۶۸۱۷)

Rafian, Nojtaba; Jalilian, Shiva; Shiripour, Mahdi. (۲۰۱۲) "Advocacy Planning Approach in Urban Planning, (Case Study: Sabzevar City, Golestan Neighborhood, Journal of Geography and Urban Planning Research, No ۲ (۳), pp. ۲۷۷-۳۰۱, [In Persian]

Rafieian, Mojtaba; Jahanzad, Nariman (۲۰۱۵) The thought transformation on planning theory, Armanshahr Publication, [In Persian]

Rafieian, Mojtaba; Maroofi, Sakineh, "Theoretical Application of Collaborative Planning in New Urban Planning Theories" Journal of Amanshahr, No ۷, pp. ۱۱۳-۱۲۰, ۲۰۱۱, In Persian

Rahimi, Hojatolah, (۲۰۱۵) "Spatial Action Research Approach: Inter-scalar Equilibrium of Power, Knowledge and Decision Making In Spatial Strategic Planning", Journal of Spatial Planning, No ۱۹ (۱), pp. ۵۳-۷۸, [In Persian]

Reinerman-Jones, L., Lackey, S. (۲۰۱۱) "Basic Versus Applied Research: The Final Episode! Next Season: Transfer!", *Theoretical Issues in Ergonomics Science*, Taylor and Francis, London, ۲۰۱۱, (doi: ۱۰,۱۰۸۰/۱۴۶۴۵۳۶X.۲۰۱۱,۵۷۱۴۳۳)

Roncevic, Borut; Makarovic, Matej (۲۰۱۰) "Towards the strategies of modern societies: systems and social processes", The European Journal of Social Science Research, Vol. ۲۳, No. ۳, ۲۲۳_۲۳۹, ۲۰۱۰ (doi: ۱۰,۱۰۸۰/۱۳۵۱۱۶۱۰,۲۰۱۰,۵۴۷۷۴۳)

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]

Sheikhzade, Mohammad; Sheikhzade, Rajabali (۲۰۰۷) "A Survey of Rationality bases in Decision – Making", Journal of Strategic Management thought, No ۱, pp. ۱۴۱-۱۶۴ [In Persian]

Zali, Nader; Birjandi, Sara; (۲۰۱۶) "Identify strategies vulnerable regional economic development based on the Assumption Based Planning (ABP) (Case study: province of Tehran)" Journal of Spatial Planning, No ۲۰ (۱), pp. ۲۱-۵۲, [In Persian]

[Downloaded from hsmsp.modares.ac.ir on 2024-10-12]